

مفاهیم شناختی استعارات زمان: تئوری استعاره جرج لیکاف در غزلیات ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۱۰۴ و ۱۱۵ شکسپیر

رکسانا معلمیان * mlnoxana@yahoo.com

دانشجوی دکتری زبان شناسی شناختی دانشگاه هیروشیما، ژاپن

واژگان کلیدی

* استعاره مفهومی زمان

* جورج لیکاف

* غزل

* الگوی نظام‌مند استعاری

* زمان به مثابه عامل

چکیده

مقاله حاضر مفهوم و نقش استعاری زمان را در شش غزل شکسپیر، تحلیل می‌کند. این پژوهش با معرفی و تحلیل ماهیت و کارکردهای استعاره مفهومی زمان و الگوبرداری‌های ذهنی مرتبط با آن در این اشعار که مبتنی بر نظریه استعاره لیکاف است؛ می‌پردازد. در ابتدا گزارش دقیقی از استعاره‌های زمان در غزلیات شکسپیر ارائه و تبیین شده است که ساختار استعاری مفاهیم بنیادین، با اساسی‌ترین ارزش‌هایی که در یک فرهنگ عمیقاً تعبیه شده، انسجام دارد. استعاره بر اساس نوع مضمون، به دو گروه تقسیم می‌شود: استعاره‌هایی که در آن زمان به مثابه هنرمند است و آن‌ها که زمان به مثابه رقیب است و سپس به راهبرهای پیشنهادی شکسپیر برای مقاومت در برابر خصوصیات به ظاهر متناقض انسانی زمان پرداخته شده است. سپس به چگونگی انطباق با محیط فرهنگی که مبتنی بر نظام‌مندی ذهن است؛ می‌پردازد تا بدین طریق، بر موانع ارتباطی متفاوت غلبه کند تا گیرنده (مخاطب) قادر به رمزگشایی پیام و فراهم نمودن بازخورد به فرستنده (راوی) شود و این خود سندی بر کارآیی ارتباط است. از طرفی، به علت نقش محوری زمان در ساختار ذهنی و فرهنگی، می‌توان آن را به عنوان یکی از جنبه‌های بنیادین فرهنگ و ارتباط در نظر گرفت.